



رامین رضائیان

رامین رضائیان همیشه دنبال مد است و مدام در بازارهای قطر چرخ می‌زند و لباس‌های جدید می‌خرد. البته خیلی وقت‌ها بازیکنان به‌ خاطر همین لباس‌هایش که بعضاً عجیب هستند، او را اذیت می‌کنند. مثلاً یک بار او زیرکت و شلوارش لباس جذبی را پوشیده بود که در تمرینات بازیکنان می‌پوشیدند.

بامعرفتی است، به‌ویژه در سفرهای خارجی. مثلاً یک سیم‌کارت بین‌المللی دارد که در نقاط مختلف جهان کار می‌کند و اینترنت دارد. وارد فرودگاه هر کشوری که می‌شوند بازیکنان دوره‌اش می‌کنند که اینترنت را روشن کند تا به خانواده‌شان پیام بدهد. البته رامین به بعضی‌ها سپورده نمی‌دهد.

گفت‌وگو با فرشاد پیوس که چوکای تالش را بعد از ۲۰ سال به لیگ دسته اول آورد

هدف بعدی؛ صعود به لیگ برتر

فرشاد آقای گل، همان مهاجم شماره ۱۷ و زهردار ۲۵-۳۰ سال پیش پرسپولیس، حالا متخصص آوردن تیم‌های لیگ دویبی به لیگ یک شده است. تیم ریشه‌دار و قدیمی چوکای تالش با هدایت پیوس به دسته یک رسید. نماینده تالش در هفته پایانی لیگ دو آزادگان، با برتری ۲ بر یک مقابل شهرداری بندرسباس ۴۶ امتیازی و صدرنشین شد و قهرمان گروه ب لقب گرفت. آنها حالا به لیگ

یک فصل آینده و البته در اتفاقی دورتر به لیگ برتر فکر می‌کنند. فرشاد که آخرین بار با سپیدرود از لیگ دو به لیگ یک آمد، حالا شاید همان کلیدی باشد که قفل رویای لیگ برتری شدن چوکا را باز کند.

اعظم حسینی

ورزش

فرشاد آقای گل، همان مهاجم شماره ۱۷ و زهردار ۲۵-۳۰ سال با شما به لیگ آزادگان صعود کرد. چه عاملی در این موفقیت بیشترین نقش را داشت؟

چوکا نسبت به من حق داشت و باید آن را ادا می‌کردم. سربلند هم بیرون آمدم و بابت این مساله خدا را شاکرم و از تمام دست‌اندرکاران و بازیکنان تیم تشکر می‌کنم. تالش با این همه هوادار حیف است در رده‌های پایین فوتبال ایران باقی بماند. آنچه باعث صعود ما شد «احساس مسوولیت دسته‌جمعی» بود. همه‌مان زحمت کشیدیم. از این حرف‌ها بدم می‌آید که می‌گویند «فلانی ناجی تیم شد» یا «فلانی یک تنه همه چیز را جلو برد». در تیم ما از این خبرها نیست. همه‌مان زحمت کشیدیم.

حالا برای لیگ یک برنامه‌ای دارید؟

ابتدا روشن کنم صعود به لیگ یک هدف و تمام خواسته ما نبود. لیگ آزادگان مسیری است که باید از آن بگذریم تا به هدف بعدی مان، یعنی لیگ برتر برسیم. ما از لیگ یک توفیق و موفقیت می‌خواهیم. باید تلاشمان را بیشتر کنیم و آنچنان خوب باشیم تا به هدف بعدی مان یعنی لیگ برتر برسیم. باید

تقویت شویم تا با دست پر به خواسته‌ای که در ذهن ترسیم کرده‌ایم، دست پیدا کنیم.

پس با این حساب

می‌خواهید به کار خود در

تالش ادامه بدهید؟

بله، حتما. شرایط مهیاست. البته همه چیز باید با هماهنگی و رضایت طرفین باشد. مردم تالش هواداران خوبی هستند و جان تازه‌ای به تیم ما می‌دهند. فرقی هم نمی‌کند تیم برنده باشد یا بازنده. حق مردم تالش است که ببینند در لیگ برتر و تیمشان را تشویق کنند. این حق را نباید از آنها گرفت.

از مشکلات لیگ دو برآیمان بگویید.

فوتبال ایران جوری است که هر چقدر پایین‌تر بروید اوضاع بدتر و به همان اندازه کمتر دیده می‌شود. حیف از این همه استعداد در تالش و شهرهای

دیگر که به جرم بودن در دسته دو دیده نمی‌شوند. لیگ دو واقعا مثل چاهی عمیق است و خدا نکند تیمی سقوط کند و در آن بیفتد. اگر بخوام درباره مشکلات تیم‌مان صحبت کنم باید بگویم در تالش نمی‌توانیم میزبان رقبا باشیم و باید به رشت برویم. این مشکل فقط اختصاص به تیم ما ندارد و تیم‌های زیاد دیگری هستند که همینطور دست و پا می‌زنند. باز هم از مسوولان شهر تالش درخواست می‌کنم این مشکل را حل کنند، نه فقط

برای موفقیت تیم چوکا بلکه برای هواداران عزیز و دوست داشتنی‌اش.

فرشاد پیوس تا چه زمانی قرار است از لیگ دو تیم به دسته یک برود؟ به لیگ برتر فکر نمی‌کنید؟

تنها چیزی که الان به آن فکر می‌کنم چوکای تالش است. ما خیلی زحمت کشیدیم. فکر می‌کنید بعد از این زحماتی که کشیدیم و رضایتی که الان داریم، به لیگ برتر فکر می‌کنم؟ خیر، الان هدف فقط موفقیت در لیگ یک است.

روزهای خوب پیوس روی نیمکت مربیگری پیوس با تراکتورسازی توانست دو بار قهرمان دسته اول شود که هر بار با قانون عجیب پلی آف از ورود به لیگ برتر بازماند. وی تیم فوتبال شهید قندی یزد را از دسته سوم تا لیگ برتر هدایت کرد که این اولین و آخرین حضور یک تیم یزدی در لیگ برتر بود. پیوس با خونه به خونه از دسته سوم به دسته دوم صعود کرد. در پایان فصل ۹۴-۹۵ پیوس این بار با سپیدرود به دسته یک صعود کرد. همان سال فرشاد پیوس به عنوان بهترین و تأثیرگذارترین مربی لیگ دسته دوم انتخاب شد و حالا فرشاد پیوس پس از تیم‌های شهید قندی و سپیدرود رشت، این بار موفق شد چوکای تالش را بعد از گذشت بیست سال به لیگ دسته اول بیاورد.

قلب مهدی رحمتی از روی دست علی دایی!

سید سرمربی- گلر

شهر خودرو شد

خبر غافلگیرکننده دیروز انتصاب مهدی رحمتی به عنوان سرمربی تیم شهرخودرو بود. حمیدآوی مالک باشگاه مشهدی تصمیم گرفت علاوه بر چارچوب دروازه، نیمکت تیمش را هم به او بسپارد.

مهدی پارسال پیشنهاد را رد کرد

در نیم فصل تمام شده لیگ، حمیدآوی برای اولین بار نیمکت تیمش را به مهدی رحمتی تعارف زد. در آن زمان اما گلر شهرخودرو اعلام کرد ترجیح می‌دهد با تیمی کار کند که خودش آن را ببندد، نه تیمی که بسته شده است. مهدی همچنان می‌دانست اگر تیم بالای جدول را بگیرد و ناکام بماند باید خداحافظی کند. به همین دلیل پیشنهاد را رد کرد تا در تابستان امسال دوباره با آن مواجه شود.

همچنان بازی می‌کند

دیروز بعد از انتخاب رحمتی به عنوان سرمربی شهرخودرو شایعاتی مطرح شد که او از دنیای بازی خداحافظی می‌کند و یا به عرصه مربیگری می‌گذازد. مهدی اما تصمیم خود را گرفته است.

او به نوعی از علی دایی برداشت کرد که سال ۸۵ سرمربی بازیکنان سایپا بود و با این تیم قهرمان لیگ برتر هم شد. مهدی رحمتی همچنان به حضور در زمین ادامه خواهد داد و فصل آینده هم سرمربی شهر خودروست و هم کاپیتان و گلر این تیم.

دستیاران رحمتی

مهدی دستیاران خود را هم به باشگاه معرفی کرده است. کوزین مربی ایتالیایی دستیار خارجی‌اش خواهد بود. محمد نوازی، علی سامره و علی اصغر قربانعلی‌پور به عنوان دستیاران فنی او و اشکان نامداری هم به عنوان مربی دروازه‌بان‌های شهر خودرو فعالیت خواهند کرد.



گفت‌وگو با خلبان محمد رضا کرم لو بعد از حادثه تلخ معلولیت

عشق ورزش دوباره مرا به آسمان کشاند



آرزو قنبری

ورزش

آسمان فرصت پرواز بلندی است قصه‌ای است چه اندازه کیوتری باشی از آن آدم‌ها که اهل یک‌جانشستن نباشند. ورزش در خون‌شان باشد و از سکون زمین به آسمان پناه ببرند. استادی که در همیشه‌های زندگی یا ورزشکار باشد یا مربی و ناگهان ناچار شود در یک روز خاص و کسری از ثانیه،

میان‌جان عزیز خود، تندرسی، حرف‌اش و جان‌دختر جوانی که مسافر پروازش شده، انتخابی مسلولانه انجام دهد. انتخابی که با آن، زندگی روی دیگری به‌او نشان دهد اما احتمال عواقب خطای انسانی، بر جان انسانی دیگر به‌صفر برسد. محمد رضا کرم لو، متولد ۱۳۴۳ تهران، از نوجوانی ورزش، این میراث خانوادگی را با فراز و نشیب‌های بسیار به‌خوبی حفظ کرده است. او سال‌ها به‌عنوان مدرس اسسکی، پاراگلایدر و سقوط آزاد در رویدادهای مختلف ورزشی داخلی و خارجی حضور داشته است.

نشتن را به ناچار تجربه کردید.

همیشه آن طور که فکر می‌کنم پیش نمی‌رود. این مساله را در ۵۳سالگی عمیقاً تجربه کردم. زندگی روی ویلچر و محدودیت حرکتی آن حادثه، گرچه تاحدی برای من مقطعی بود ولی نگرشم را تغییر داد.

آقای کرم لو از زندگی ورزشی و آغاز آن بگویید.

اسکی را از کودکی و پدرم آموختم. در نوجوانی ورزشکار این رشته بودم. مدام در مسابقات به‌سرمی‌بردییم و کم‌کم مربیگری آن را آغاز کردم. بعدها به دنبال پیوند اسکی و پاراگلایدر رفتم و فعالیت‌هایی را هم در این زمینه انجام دادم. البته سقوط آزاد هم یکی از رشته‌های مورد علاقه‌ام شد و کم‌کم تدریس پاراگلایدر را نیز شروع کردم. طی این سال‌ها، تلاش من و

دوستانم بر این بود که ورزش‌های هوایی در ایران رسمیت بیشتری پیدا کنند.

برگردیم به سال ۹۶؛ چه اتفاقی افتاد؟

سوم فروردین، همه در دید و بازدید نوروزی و مسافرتند. اما دعوت دوستان و عشق ورزش مرا به سایت پروازی سمنان کشاند. رفتم رویداد زیبایی را تجربه کنیم و کار هم به خوبی تمام شد، اما زن و شوهر جوانی که یک هفته به عروسی‌شان مانده بود، آمدند و اصرار، که می‌خواهند پرواز کنند. با هماهنگی مسوولان سایت قرار شد خانم با من و آقا با همکارم ببرند. در پاراگلایدر وزن فاکتور مهمی است و من در مورد خانم تردید داشتم. وزن را پرسیدم و بعدا مشخص شد عدد واقعی را اعلام نکرده بود. به‌حال اعتماد کردم و توضیحات لازم را دادم؛ گفتم در پرواز نگران نباش، ابتدای کار هیجان بیشتر است و ما با هم مدیریت می‌کنیم که متاسفانه در همان آغاز خانم نتوانست بر نگرانی خود غلبه کند و یک‌باره به موجودی کاملاً بی‌حرکت تبدیل شد. هر چه تلاش کردم وضع فرق نکرد و همین موضوع هم باعث نقص و سقوط شد. در آن لحظات به دلیل وزن زیاد مسافر، قادر به کنترل او نبودم و فقط به سلامتی دختری فکر می‌کردم که قرار بود هفته بعد عروس شود. نهایتاً توانستم با یک چرخش جای خود را با مسافر عوض کنم تا سپر شوم و سقوط کردیم.

پیامدهای سقوط چه بود؟

همیشه خدا را شاکرم که به طرز معجزه‌آسایی این سقوط برای مسافر هیچ‌گونه آسیب و عوارضی در پی نداشت و این همان چیزی بود که من مسوولش بودم. اما خودم دچار ضربات بدی شدم. لگنم شکست، مچ پایم قطع شد و دوباره پیوند خوردم. ساعت‌ها در اتاق عمل بودم. پنج جراحی روی بدنم انجام شد و پای چپم به شدت آسیب دید. نهایتاً بعد از دوره عمل و بیمارستان روی ویلچر نشستم.

می‌توانید تجربه ناگهانی زندگی روی ویلچر را توصیف کنید؟

سخت. دکتر در طول یک سالی که روی ویلچر بودم جواب کاملاً قطعی در مورد آینده نداده بود. مدام از خدا می‌پرسیدم؛ آیا دوباره می‌توانم بایستم، راه بروم یا پرواز کنم؟ من به دودیدن خیلی علاقه داشتم و همیشه در فکرم بود. کم‌کم تلاش کردم تا روحیه‌ام بهتر شود. آن شرایط باعث شد با افراد موفق دارای معلولیت آشنا شوم. دیدم چه باکیفیت زندگی می‌کنند و از داشته‌های‌شان لذت می‌برند. همین‌ها و عشق به ورزش مرا به زندگی بازگرداند.

چقدر طول کشید تا دوباره به آسمان برگردید؟

تقریباً یک سال و چند ماه. اواسط پاییز سال ۹۷، در رامسر، رویدادی برگزار شد که با دوستانم در آن شرکت کردم.

از بازگشت دوباره ترسی نداشتید؟

خیلی نگران بودم. زندگی روی ویلچر تمام شد و من توانایی نسبی راه رفتن را به دست آوردم. سلامتی نسبی‌ام یک طرف بود و عشق و حرفه‌ام سوی دیگر. تصمیم گرفتم خودم را محک بزنم. در آغاز کار تمام خاطرات آن حادثه پیش چشمم زنده شد، اما به خودم گفتم اینجا نقطه عطف من است، اگر بتوانم، دوباره می‌مانم و اگر نه، با آسمان خداحافظی می‌کنم. وقتی بی موفقیت تمام شد، برای اولین بار در تمام آن مدت بعد از حادثه، خیلی گریه کردم.

پاراگلایدر یا همان

پرش با چتربالا؟ ورزشی که در

سال‌های اخیر شکل جدی‌تری به خود گرفته

است و تحت نظارت انجمن ورزش‌های هوایی و

فدراسیون ورزش‌های همگانی قرار دارد. در این رشته

خلبان خود را با تسمه به وسیله‌ای شبیه چتر نجات متصل

می‌کنند که در واقع نوعی گلایدر است. این چتر مانند بال

هواپیما باعث تعلیق می‌شود و خلبان با استفاده از

طناب‌هایی چتربال را کنترل می‌کند تا جهت و

سرعت حرکت خود را تغییر دهد.